

جنگ و ملت غایب از صداوسیما



کامبیز نوروزی

حقوق‌دان

با اعلام آتش‌بس نبرد هوایی میان ایران و اسرائیل فعلاً آرام گرفت. اینک جای این پرسش است که در عمل ملت ایران در کجای این جنگ متجاوزانه قرار داشت؟ در پیام‌هایی که رهبری، رئیس‌جمهور و دیگر مقامات ارشد کشور خطاب به مردم دارند، واژه ملت ایران به‌درستی شکلی بسپار پررنگ و برجسته به کار رفته و از ملت دعوت به ایستادگی و دفاع از کشور شده است؛ سخنی است درست و واقع‌بینانه.

جنگ اخیر نبردی هوایی بود و خبری از جنگ زمینی نبود. بنابراین برخلاف جنگ ایران و عراق تمام عرصه عملیات پر دوش فرماندهان و افسران سامانه‌های آفندی و پدافندی هوایی ایران قرار داشت. در چنین جنگی دعوت ملت ایران به ایستادگی به معنای دعوت مردم به حضور نظامی آحاد ملت در صحنه جنگ و دفاع نیست، بلکه بیشتر به معنای دعوت مردم به اتحاد، همدلی، حفظ نظم، صوری و شکیبایی، دقت در اخبار و تحلیل‌ها، اشتراک نظر در دفاع از کشور در برابر متجاوز، مشارکت در شناخت و کشف جاسوسان و مأموران دشمن متجاوز و این قبیل مسائل است. دعوت «ملت ایران» به ایستادگی شکل رسانه‌ای می‌یابد. به‌این‌ترتیب که رسانه در تولید محتوا و تعریف مخاطب «ملت ایران» را نشان بدهد. واژه ملت شامل جمعیتی بزرگ با هویت تاریخی واحد ایرانی است که در آن تنوع فکری، سیاسی، فرهنگی، قومی و مذهبی گسترده‌ای وجود دارد. این مفهوم بزرگ در قالب تنگ انحصاری یک حزب یا فرقه یا تفکر مطلقا جا نمی‌گیرد. اگر قرار است در جنگی که بر اثر تجاوز بیگانه ایجاد شده است، ملت حاضر باشد و ایستادگی کند، رسانه مکلف است سیاست کاری خود را براساس همان تنوع ملی تنظیم کند و ملت را با همان تنوع در تولید محتوا و تعریف مخاطب نشان بدهد تا از این طریق بتواند برای ملت مرجعیت خبری داشته و اعتماد آنان را برای توسعه ایستادگی ملی جلب کند. تلویزیون به‌عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین رسانه در بین دیگر رسانه‌ها وظیفه سنگینی از این نظر بر دوش دارد. باین‌همه تلویزیون ایران که خود را رسانه ملی می‌نامد، در جریان جنگ خطیر ۱۲روزه در ادامه سیاست‌های چند سال اخیر به این تنوع ملی کمترین اهمیتی نداد. در این شرایط پرمخاطره ملی تلویزیون ایران همچنان در انحصار گروه کوچکی از وابستگان یک جریان سیاسی خاص بود. هیچ‌کس غیر از نزدیکان همین گروه در اخبار و گزارش‌های کارشناسی و تحلیلی جای نداشت. تنگ‌نظری و انحصارطلبی گروهی چنان در تلویزیون ایران حاکم بوده است که حتی از انتشار خبر بیانیه‌های جداگانه بزرگانی مانند مهدی کروبی، سیدمحمد خاتمی، حسن روحانی، زهرا رهنورد و… که حاوی محکومیت تجاوز رژیم اسرائیل و دفاع ازکشور بودند هم خودداری کرد. در خبرها و گزارش‌های تلویزیون، اخبار مربوط به شخصیت‌های مستقل ایرانی سیاسی، فرهنگی و هنری و نهادهای مدنی که در دفاع از کشور و محکوم‌کردن تجاوز نظامی اسرائیل به ایران سخنی گفته یا نوشته بودند، هیچ اثری دیده و شنیده نشد؛ چراکه آنان یا به گروه حاکم بر صداوسیما نزدیک نیستند یا در چارچوب نظام سیاسی و قوانین موجود منتقد وضع جاری کشورند. این قبیل شخصیت‌ها و نهادهای مدنی و سیاسی را که تعدادشان بسیار زیاد است و احزاب و سازمان‌های سیاسی بخشی از ملت ایران‌اند و دل در گرو ایران دارند و در چارچوب قوانین کشور عمل می‌کنند، نمی‌توان چنان‌که صداوسیما می‌کند، از دایره ملت بیرون انداخت.

وقتی تلویزیونی که باید ملی باشد، گروهی عمل می‌کند، طبیعی است که به‌سادگی بخش وسیعی از مردم را از دست می‌دهد و مخاطبانش حاکمتر در حد طرفداران بسیار اندکش کاهش می‌یابند. در شرایطی که کشور در معرض تجاوز قرار گرفته و اتحاد ملی یک ضرورت حیاتی است و تلویزیون‌هایی دیگری مانند اینترنت‌نشال، که در حقیقت تلویزیون فارسی‌زبان رژیم اسرائیل است و نام واقعی‌اش را اسرائیل اینترنت‌نشال باید گذاشت، با هزینه‌های گزاف و برنامه‌های حرفه‌ای به‌شدت در همسویی با متجاوز عمل کنند، شیوه عمل تلویزیون ایران را می‌توان فاجعه نامید. در جهان رسانه‌ای‌شده امروز، ما همه وقایع را از نگاه رسانه می‌بینیم. در چشم ما واقع آن چیزی است که رسانه نشان می‌دهد. وقتی تلویزیون ایران جایی برای ملت و تنوع آن نمی‌گذارد و محدود به یک گروه کوچک می‌شود، نتیجه این می‌شود که رسانه‌های دیگر را به مخاطبان ایرانی پیشکش می‌کند تا مردم واقعه هولناک تجاوز به کشور را از نگاه آتیهایی ببینند که ایران را به مزایده گذاشته‌اند و در حمایت درست‌ از متجاوز خیال‌های خام علیه ایران و ملت ایران را تبلیغ می‌کنند. در هیچ کجای دنیا یک تلویزیون فرقه‌ای نمی‌تواند حافظ منافع ملی باشد. برای منافع ملی، صداوسیما باید نه در نام، بلکه واقعا ملی شود.

چهارشنبه ۴ تیر ۱۴۰۴
۲۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۶
۲۵ ژوئن ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۴۱
۳۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

گزارشی از اعلام پایان نبردی که نیمه‌شب اعلام شد

پیام آتش‌بس در میان دود و آتشبار



این گزارش در صفحه۲ بخوانید عکس:اسیر پناهنده

یادداشت

شکاف فناوری؛ ازرنجی که برده‌ایم و می‌بریم!



امیرثامنی

ما در میانه این نبرد نابرابر و تخاصم ظالمانه گرفتار شده است. درس‌آموزی و عبرت از مرور تاریخ پرفرازونشیب ایران برای ما می‌تواند حاوی نکته‌ها و آموزه‌های زیادی باشد تا با فهم درست موقعیت و درک عقلایی از توانمندی‌ها و دارایی‌ها از یک طرف و گرفتاری‌ها و تنگناها از طرف دیگر، از یک سوراخ دو بار گزیده نشویم. موقعیتی که امروز کشور در آن قرار گرفته، سویه‌هایی ترکیبی از چند واقعه تاریخی مهم داخلی و خارجی در دو قرن گذشته را در درون خود دارد:

اول) موقعیت ایران دوره فتحعلی‌شاه قاجار و پایان جنگ‌های اول و دوم با قوای روس و ت‌ر دادن به امضای عهدنامه گلستان و ترکمنچای برای بقای کشور. دوم) موقعیت ایران در دوره جنگ دوم جهانی در شهریور ۱۳۲۰ و تجاوز به ایران از طرف قوای متفقین و اصرار آنها به تعویض پادشاه به گمان آنها هوادار هیتلر و ادعای انضمام بخش‌هایی از آذربایجان به شوروی سابق که با سیاست‌ورزی هوشمندانه محمدعلی فروغی و ابتکار او کشور از مهلکه گریخت. سوم) موقعیت ایران در تیرماه ۱۳۶۱ و بازپس‌گیری خرمشهر از رژیم بعث و صدور قطع‌نامه ۵۱۴ سازمان ملل برای آتش‌بس که ایران آن را نپذیرفت. چهارم) موقعیت ایران در مرداد ۱۳۴۷ که رژیم بعث با پشتیبانی لجستیک

یادداشت

ایران همه؛ درسی از همدلی و همبستگی ملی



محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

خیانت به کشور و اولویت‌دادن به مسائل فرعی و راستای شناسایی معدودی خودفروخته در جامعه می‌توان دریافت. آنان که از نقد دلسوزانه و علمی حکمرانی دریغ نورزیده، طرد و محدودیت‌ها را به جان می‌خریدند و در هنگامه تهاجم بیگانه در کنار حاکمیت قرار گرفته و از ایران دفاع کردند، تکیه‌گاه اصلی و ستون و قوام حکومت و جامعه باید باشند. با ایجاد مدلی شایسته‌سالار، فضا برای حکمرانی خوب فراهم شده و تصمیمات بهتری برای کشور اخذ می‌شود. از این‌رو شاید از اولین اقدامات حکومت، شناسایی خیانتکاران در همه سطوح و منزوی‌کردن چاپلوسان باشد. در پایان لازم است تا به سخن امیرالمؤمنین به مالک اشتر به دیده یک سیاست کلی نگاه شود؛ «و قلبت را مالامال از محبت و لطف به مردم قرار بده... زیرا آنان با برادر دینی تو یا همانند تو انسان‌اند».

با مردم مهربان باشیم.

تأکید دوباره بر حق مشروع کشور در دفاع و روشن ساختن خطوط قرمز در گفت‌وگو با همسایگان

ضربان دیپلماسی در امتداد نبرد

۲

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از شرایط پیچیده کودکان بی سرپرست، معتادان و افراد دارای معلولیت

انتقال کودکان، ترخیص اختیاری معتادان

۵

این آتش‌بس برای اسرائیل شکست و برای ایران پیروزی است

پنج خطای محاسباتی تتانیاها

۳

بر چشم‌انداز باغ ققنوس؛

از حافظهٔ آتش تا زایش واژه‌ها

۶

در دل تهران، زیر آسمانی که هنوز هم آبی است

۸

پیشرفت چشمگیر موشکی کی‌یف و غافلگیری‌های تازه علیه مسکو

«سپسن»؛ برگ برنده جدید اوکراین در جنگ

۷

یادداشت

شرایط خطیر



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

شرایط خطیر، نیازمند تصمیم‌های بزرگ است و تصمیم‌های بزرگ نیز نیازمند تغییر پارادایم‌ها و نگرش‌ها. با اعلام آتش‌بس و خاتمه موقت درگیری‌ها، لازم است حرکت در مسیر تغییر نگرش و گفتمان، چه در داخل و در نسبت با افراد و جریان‌های وطن‌دوست و چه در خارج و در نسبت با کشورها و نهادهای بین‌المللی معقول و صلح‌طلب آغاز شود. دیپلماسی فعال کشورمان در روزهای اخیر و حضور وزیر خارجه و نمایندگان سیاست خارجی در نشست‌های شورای امنیت و سازمان کنفرانس اسلامی و گفت‌وگوهای دوجانبه و چندجانبه با کشورهای اروپایی، ترکیه، روسیه و... این درجه امید را کشوده تا از طریق گفت‌وگو با جهانپیان، گذار از وضعیت بحرانی فعلی ممکن شود. جهانی که مملو از اختلاف‌ها، تفاوت‌ها و رقابت‌هاست، اما این اختلاف‌ها و رقابت‌ها نه مانند دوران جنگ سرد منطقه‌ها را متضادهای ازلی و ابدی و آرمانی و ارزشی و بازگشت‌ناپذیر، بلکه در ذیل منافع ملی و تمامیت ارضی معنا می‌شود. در آن دوران، جهان به دو قطب دوست و دشمن تقسیم و بلوک‌بندی‌های اقتصادی و سیاسی در چارچوب آن تحلیل، شکل می‌گرفت. نوعی تقسیم‌بندی که با فروریختن دیوار برلین، فروریخت، البته فروریخت دیوار برلین چنان‌که اشاره شد، نه به معنای فروریختن دیوار اختلاف‌ها و دشمنی‌ها و... بلکه صرفاً به معنای غیر آرمانی و غیر ایدئولوژیک شدن این اختلافات و تمایزها بود و زاده‌شدن جهانی پیچیده در دوستی‌ها و دشمنی‌های مبتنی و منکی به منافع ملی و تمامیت‌های سرزمینی، چنان‌که مثلاً در حوزه خلیج فارس مشاهده می‌کنیم، منطقه‌ای که تا چندی پیش نام آن با جنگ و اختلافات مذهبی شدید و بی‌اعتمادی میان کشورها و درگیری و ناامنی و... گره خورده بود و امکان همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه میان دولت‌ها و رقابت‌های اقتصادی منطقه دور و بعید می‌نمود و اما اکنون

شاهد حجم عظیم سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی فناوریانه، گردشگری و... در کشورهای این منطقه هستیم.

۳۳

ادامه‌در

صفحه ۷